

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

دگرمن احمد قندهاری

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۳

اسناد افشاء شده، گواهی تاریخ بر جنایتکاران

تاریخ معاصر افغانستان به ویژه در سه دهه اخیر شاهد بی رحمی ها و کشتار های جمعی جنایتکاران بر توده ها و زحمتکشان این سرزمین می باشد که عامل اصلی و آغازگر این جنایات باند ضد دموکراتیک و ضد خلق می باشد. با آن که لست قربانیان این جنایات بار اول و جدید در جامعه افغانها نمی باشد ولی در همین چند روز اخیر در رسانه های خبری و روزنامه ها سر خط اخبار شده است.

خوشبختانه شخصیت های زیادی در قید حیات هستند که زندان دیده اند و شکنجه شده اند و گردانندگان آن را بهتر به خاطر دارند، نویسنده این مختصر، یکی از آنها می باشم که شهرت ها و نامهای محتوای لست برایم بیگانه نبود، و فکر می کنم که این هم توطئه دیگری از طرف کشورهای غرب و امریکا می باشد.

وقتی به لست ها و اسناد کتبی نظر اندازی شود نقاط زیل قابل توجه می باشد: در قدم نخست لست ها قطره ای بیش در مقابل جنایات خلق و پرچم نمی باشد، طوری که همه نویسندگان محترم از نصب لست های ۱۲ هزار نفری امین جلاذ بر دیوارهای وزارت داخله وقت متذکر شده اند، این قلم در همان زمان زندانی زندان پلچرخ بودم و لست ها را ندیده ام ولی از اعزام فرزندان آزاده و روشنفکران با فهم از پهلویم، از صف ما زندانیان به اعدامگاه ها شاهد عینی هستم که نام و شهرتی از آنها در مندرجات لست ها دیده نمی شود.

طور مثال که بعداً افشاء گردید گروپ زندانیان قندهاری اصلاً به کابل نرسیده اند و از طیاره حامل شان از هوا در آب ایستاده مفرطرتاب شدند، که بر همه قندهاریها معلوم است و هرگز به پلچرخ نرسیدند. وقتی به زندان پلچرخ زندانی شدم علاقه مند به پرس و پال کسانی بودم که قبل از ما زندانی شده بودند راجع به زندانیان قندهاری از دیگران سوال می کردم که از سال ۵۷ زندانی بودند.

کسی برایم گفت که یک گروپ از قندهاری های شما را که شامل چند نفر بچه های تحت سنین ۱۶ سال بودند برای دو شب در همین «بلاک دو» آوردند و در منزل سوم طور جداگانه محافظت می شدند و در شب دوم ایشان را بردند و واضح بود که روانه اعدامگاه شده بودند.

البته این گروپ جدا از گروپ اول می باشد.

و بعد از به قدرت رسیدن، بیرک کارمل نابودی و گم شدگان هموطنان عزیز ما را به ۲۵۰ هزار اعلام نمود لذا به غرض برانست و عفو متهمین تعداد قربانیان را به کمترین حد به نسل جوان کشور تبلیغ می دارند، طوری که تاریخ معاصر افغانستان را از پروگرامهای مکاتب حذف نمودند، تا نسل جوان ما تا زمانی که جنایتکاران بر اریکه قدرت باشند، از آن آگاهی نداشته باشند.

اگر توطئه ای در کار نیست پس چرا نامهای اشخاص امضاء کننده را در مکتوب ها به رنگ توش سیاه حذف و غیر قابل خواندن ساخته اند؟؟؟ مردم افغانستان علاقه مند شناسائی قاتلان عزیزان شای هستند. طوری که زیادتیر مرتکبین جنایات در اروپا، امریکا، و دیگر کشور های غربی و شوروی زندگی راحت با فامیل های شان دارند و از امتیازات سوسیال هم برخوردار هستند.

ولی در مقابل مادران، پدران، فرزندان و همسران رنج و زجر دوری گم شدگان خود را می کشند. فرزندان که اصلاً پدر را ندیده این فرزندان می خواهند که بدانند که پدران شان را چه کسی کشته و توسط چه کسانی از مهربانی پدر محروم شده اند؟؟؟

اگر امروز رژیم های مستعمره و وابسته از محاکمه و محکومیت آنها ناتوان هستند، مگر تاریخ کشور ما آنها را محکوم نموده و روزی خواهد رسید که در دادگاه خلق رنج دیده این سرزمین، شرمنده و خم چشم بسته به زنجیر محکوم و جواب گو خواهد بود و اگر زنده نبودند مرده های کثیف شان محاکمه خواهد شد.
هموطنان گرامی!

حکومت ها و رژیم های وابسته به استعمار جهانی چون از خود اراده ندارند و حافظ منافع مردم بوده نمی توانند لذا نه تنها قادر به داوری حق مردم خویش نمی باشند بلکه به فرمان کشورهای استعماری در رأس امریکا و روسیه همین جنایتکاران از اعضای ساختاری حکومت و رژیم هستند، مثال های زیاد داریم که به معرض داوری هموطنان بگذاریم:

اگر پنجشیری شرف باخته که در هر سه دوره زمامداری باند خلق و پرچم یکی از اعضای اصلی هیأت رهبری همان حکومت ضد خلق و منحوس بود از «سیاتوی» و اشنگتن امریکا به دفاع از باندش کاغذ سیاه می کند و این همه بی عدالتی های دورانش را قانونی می پندارد. هر هم وطن آگاه تعجب خواهد کرد، که بی شرفی هم اندازه دارد با این همه جنایات به کدام چشم و وجدان به طرف فامیل و فرزندانش می نگرد، فکر می شود برای آنها شرف و وجدان در کار نیست. همه این متهمان و مرتکبین به قتل های جمعی که در رأس کار و همه کاره بودند، حیات دارند و اکثراً در چوکی های بالای حکومت پوشالی تقرر به یک مقام هستند و بالا تر از همه کاندید ریاست جمهور پوشالی هم هستند، می خواهم یکی از جنایتکاران اصلی را با تأسف و درد به معرفی هم وطنان گرامی بگذارم. سلطان بهین شرف باخته که روزی معاون سیاسی آگسا بود و در رأس شکنجه گران افتخار می کرد توسط داکتر عبدالله خادی در وزارت خارجه به صفت سخنگوی مقرر شد و بعداً در دوران اسپانتا در همین پوست حمایت شد، طرز سخن گفتن و بی دانشی وی به همه آفتابی است. ولی اسپانتای راسیست از نامبرده حمایت نمود تا از امتیازات و معاشات بلند دالری بر خوردار باشد. به خاطری که اسپنتا از هرات و «بهین» از فراه می باشد. چون «سلطان بهین» عامل و تربیه شده اصلی ک. ج. ب. می باشد به ارتباط جاسوس بودنش مراجعه شود به خاطرات زندان دانشمند انقلابی کبیر توخی و به پاداش خدمت ک. ج. ب. به پست نماینده و سفیر افغانستان در کشور چین مقرر و اکنون سفیر بر حال می باشد. وای به حال ما ملت از خدا بی خبر.

زمانی که او توسط جناح پرچمی ها به صفت امینبست در زندان پلچرخ زندانی بود، وظیفه مقدس!! جاسوسی زندانیان را به عهده داشت و از سهولت های زندان مستفید بود. همه کسانی که در جنایات نقش کلیدی داشتند اکنون به عوض مجازات همه مکافات دیدند، و خم به ابرو نمی آورند.

این ملت هم نیرو دارد و یک روز خواهد رسید برای دادگری.

مثال دیگر، وقتی برای اولین بار یک گور دسته جمعی از قربانیان مردم زحمتکش بدخشان کشف شد و در رسانه ها انعکاس یافت یک هموطن با درد و احساس در یکی از سایت ها که اگر فراموش نکرده باشم سایت (کابل پرس) بود

گروپ عاملین قتل های دسته جمعی بدخشان را مفصلاً به معرفی گذاشته بود، که سر دسته آنها منصور هاشمی و دستیار نزدیکش منشی کمیته ولایتی آدرخش حافظی که فعلاً رئیس اطاقهای تجارت دولت پوشالی، که از امتیازات بلند معاش دالری برخوردار است و مهمتر از همه مفسر سیاسی و اقتصادی تلویزیون های وابسته هم شده، و باز هم بر همین ملت مظلوم فخر و فضل فروشی دارد. و او که زمانی به صفت یک امینیت توسط پرچمی ها زندانی بود، به داخل زندان مثل دیگر رفقای خلقی اش از امتیازات خاصی بهره مند بود و وظیفه شریف!! جاسوسی دیگر زندانیان را به عهده داشت. باز هم به خاطرات زندان کبیر توخی دانشمند ارجمند مراجعه نمائید. همه کسانی که از عاملین جنایات ضد بشری در رسانه های تلویزیونی افغانستان ظاهر می شوند و مفسر سیاسی اوضاع کنونی هستند و خم به ابرو نمیآورند، وای بر حال ما ملت مظلوم.

نکته دیگری که مورد جلب توجه شد، در سرخط لست زندانیان قندهاری در خط اول درج شده:

علی یاور ولد اختر محمد ناحیه اول شاروالی قندهار استاد دارالمعلمین عالی سازمانی شعله درجه یک. این بود حکم محکمه در مورد وی تا بدون تحقیق و حق دفاع از خود محکوم به اعدام شود آن هم انداختن به زمین از طیاره حامل با دیگر جان باختگان، روح شان شاد و گرامی باد!

نامه های محتوای لست قندهاریها اکثراً برایم آشنا بود و یکی از چند نفر آنها از لست های دیگر ولایات در زندان بلچرخ، مدتی با هم در یک سلول بودیم.

ولی بعد از انتشار لست ها و اسناد توسط رسانه های خبری چهار روز سپری شد که حامد کرزی با سرجنایتکاران تشکیل جلسه نمود و فیصله بران شد که یوم دوشنبه ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۳ مراسم فاتحه خوانی در مسجد ها و نیمه افراشته شدن بیرق در سرتاسر کشور تجلیل گردد.

خبر لست شهداء و لست جنایتکاران ضد بشری در جامعه ما جدید نبوده ولی بعد از یک دهه خبر مهم شد، مهم جلوه دادن این لست که البته از اول هم بسیار مهم بود ولی اکنون بی پیوند به انتخابات پوشالی، تجلیل از کشته شدن ربانی قاتل و دایر شدن کنفرانس کشور های اسلامی نخواهد بود و یا این که ادغام فاتحه خوانی به مجلس تجلیل ربانی. در لستها که اکثریت قاطع آنها اخوانی رقم خورده در آن زمان این همه اخوانی سازمانی به هیچ صورت وجود نداشت، ولی همه مسلمانان پاک و با احساس بودند و مردم کشور ما از ابتداء همیشه وطن پرست و آزادیخواه بوده و هستند که این انگیزه سبب جنبش و حرکات خود جوش مردمی گردید.

هر حرکتی که از جانب هر کسی به ضد باند خلق می بود جرم شناخته می شد و جزای اعدام و مرگ داشت. اکنون جنایات ضد بشری (خلق- پرچم) نزد رژیم موجوده به خاطری مهم شده که سرپوشی بر جنایات هشت ثوری ها بگذارند. طوری که تبلیغات سر جنایتکاران (سیافها، مسعودی ها، محسنی ها، محقق ها، خلیلی ها، دوستم ها، و طالبان نیکتانی پوش و.....) به اوج خود رسیده و حتی مردم زحمتکش ما را به جنگ داخلی تهدید می کنند. می خواهند که بر تمام جنایات ضد بشری که مرتکب ان هستند، سرپوش بگذارند.

مجلس فاتحه و دعا در زمانی برگزار می شود که ظاهر ظنین به حیث نماینده این ملت، در ملل متحد می باشد و در سازمان های حقوق بشر از ما نمایندگی می نماید. او که خود از جمله فعالان باند خلق و پرچم بود، و همچنان همه اعضای برجسته کادری آن حزب خون خوار در تمام ارگانهای حکومت موجوده مقرر هستند، و این به خاطری که قانون عفو جنایتکاران و مافیای ناقضین حقوق بشر بر زحمتکشان ما حکم فرمائی دارد و اندیشه های استعماری در بین مردم حتا روشنفکران تبلیغ و ترویج گردیده که گذشته ها گذشت به آینده باید فکر کرد، در حالی که فساد و ظلم از جانب همین جنایتکاران بر دوش مردم زحمتکش ما بیداد و پشت همه را خم نموده بود است.

هر کسی که اعضای باند جنایت بودند در مقابل این ملت پاسخگو می باشد همین صفوف بودند که از محل کار ، هم کوچه ئی ها ، هم کلاسی های خویش گذارش به آدم خوران بالائی تهیه می کردند ، هم وطنانی که هنوز در قید حیات هستند به خاطر دارند که همه بگیر و ببند و بستن و کشتنها از همان سلولهای پرازیتی اولیه آن باند جنایت پیشه و خیانتکار آغاز می گردید ، تا جائیکه به خاطر دارم به فیصله همان حلقه های اولیه دستگیری ، شکنجه و زندان و اعدام انجام می شد ، کسانی که شکنجه گر بودند همین فعالان حزبی بودند ، کسانی که بر صف های ایستاده وطن پرستان و آزادیخواهان در اعدام گاه ها آتش می گشودند مگر همین فعالان کمیته های اولیه نبودند؟

به نظر این قلم همه آنها در مقابل مردم این سرزمین جواب گو هستند. اگر مجرم نمی باشید با مردم زجر کشیده میهن عزیز همکاری نمائید و از چگونگی گور های دسته جمعی و محلات آن و کسانی که به سوی قربانیان فیر می کردند با عذرخواهی از ملت عزیز افساءگری نمائید.

بر همه روشنفکران ما دین ایمانی می باشد که در محکومیت و افشای مسئولین جنایت ، قلم به زمین نگذارند. امروز روزی شده که همه اعضای شورای انقلابی که صلاحیت منظوری اعدامهای آزادگان را برای آدم کشان حزب صادر می نمود اکادمیسن شده اند و به کاپی نمودند از کتب تاریخی مورخین وطن پرست خود را مؤرخ و عالم جا می زنند زهی ننگ و نفرت براین دون صفتان :

از قهرمانیهای ملی تاریخ گذشته ما به کاپی کردن ننویسید از جنایات خود بنویسید تا نسل جوان شما را شناسائی کنند.

دروود بر روان پاک جانباختگان آزاده و پاکباز.

مرگ بر باند آدمکشان (خلق) - پرچم

دگرمن احمد.